

تمایز جنسی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف

کالاهای فرهنگی

سعید معیدفر

این مقاله درصدد است با توجه به داده‌های آماری یکی از طرح‌های ملی ابتدا وضعیت فعالیت، تحصیل، فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی زنان در روستاهای ایران را توضیح داده و سپس با ارجاع به نظریه‌های فمینیستی تحلیلی از نابرابری و یا تمایز جنسی در روستاهای کشور ارائه نماید. نتایج این تحقیق عمدتاً فرض‌های مبتنی بر نظام‌های اقتداگرایانه پدرسالار و نظام تولید و تقسیم کار اجتماعی مبتنی بر جنسیت و ارزش‌ها و نگرش‌های معطوف به جنسیت را تقویت می‌کند. البته، تفاوت دو جنس از نظر فعالیت‌های هنری و ورزشی از همان سال‌های اولیه کودکی تا حدودی فرض مبتنی بر خلقت متفاوت زن و مرد در برخی تمایلات را نیز تأیید می‌کند. دختران و پسران به خاطر برخی از ویژگی‌های زیستی-روانی که تا حدودی مستقل از روندهای فرهنگی-اجتماعی است علائق متفاوتی دارند. هرچند این تفاوت‌ها در دوران بعدی زندگی مورد تأکید بیشتر قرار می‌گیرند و شدت می‌یابند. همچنین، براساس داده‌های این تحقیق مشخص شده است که به خاطر نیاز بیشتر به حضور زنان در جامعه و گسترش نظام‌های تعلیم و تربیت جدید و روند مدرن شدن در روستاها در نگرش سنتی روستاییان مبنی بر تقلیل نقش زنان به خانه‌داری و نگهداری بچه تغییراتی آغاز شده و رو به گسترش است.

کلید واژگان: تمایز جنسی، فمینیسم، کالای فرهنگی، اوقات فراغت، نابرابری جنسیتی، نقش‌های جنسی.

مقدمه

اگرچه مشکل بتوان تاریخ دقیقی برای شروع بحث درباره نابرابری جنسیتی در نظر گرفت، اما شاید با انتشار کتاب مشهور معماری زنان فریدن بود که موج گسترده‌ای در دانشگاه‌ها، محافل علمی و در افکار عمومی و رسانه‌ها درباره موضوع نابرابری جنسیتی به وجود آمد و از آن زمان این موضوع اهمیت یافت (بورلی، ۱۹۹۴ و فریدن، ۱۹۶۳). در ایران نیز به‌ویژه در سال‌های اخیر، درباره موضوع زنان و بعضاً نابرابری جنسیتی مقالاتی چند در مطبوعات و سمینارها ارائه شده، کارهای تحقیقاتی متعددی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی انجام شده و کتاب‌هایی نیز منتشر شده است.

این مقاله در صدد است با توجه به داده‌های آماری یکی از طرح‌های ملی تحت عنوان «بررسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی خانوارهای روستایی کشور» که در بهمن و اسفند سال ۱۳۷۹ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و زیر نظر نگارنده انجام شده است، ابتدا وضعیت فعالیت، تحصیل، فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی زنان و مردان در مقایسه با یکدیگر در روستاها توضیح داده شود و سپس با ارجاع به نظریه‌های فمینیستی تحلیلی از نابرابری و یا تمایز جنسی در ارتباط با کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در روستاهای کشور ارائه شود.

مباحث نظری درباره تفاوت یا نابرابری جنسی

در یک نگاه، نظریه‌ها و دیدگاه‌های مربوط به جنسیت را به دو دسته تقسیم می‌کنند که تا حدی مبتنی بر یک نوع تقدم تاریخی نیز هست: ۱. دیدگاه‌های مبتنی بر تفاوت و تمایز جنسی ۲. دیدگاه‌های مبتنی بر نابرابری جنسیتی.

دیدگاه‌های مبتنی بر تفاوت جنسی مقدم بر نابرابری جنسی هستند و در واقع در زمره اولین رویکردهای نظری به مسئله جنسیت به حساب می‌آیند. امروزه دیدگاه‌های تفاوت جنسی در برابر رویکردهای نابرابری جنسی نقشی حاشیه‌ای دارند، اگرچه بر شکل‌گیری نظریه فمینیستی عمیقاً تأثیر گذاشته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۷۰). کلیه تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و کارکردی و حتی برخی از مباحث دیدگاه‌های کنش متقابل نمادی، پدیدارشناختی و اتنومتدولوژی معطوف به توجیه تفاوت‌ها و تمایزات جنسی میان زنان و مردان است (همان: ۴۷۱-۴۸۳). دیدگاه دوم دیدگاه نابرابری جنسیتی است که اصل تفاوت و تمایز میان دو جنس را از هر نظر، به‌ویژه زیست‌شناختی و روان‌شناختی، نمی‌پذیرد و آن را تحمیلی از سوی جامعه و نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌داند. این دیدگاه مفهوم نابرابری

جنسیتی را که مفهومی اجتماعی است در برابر تفاوت جنسی که بیشتر مفهومی زیست‌شناختی و روان‌شناختی است قرار می‌دهد و آن را عادلانه و قابل برطرف شدن می‌داند. به همین دلیل، نوعی رسالت دفاع از حقوق زنان و مبارزه تساوی طلبانه برای خود قایل است: (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۷۳-۴۷۴). در این دیدگاه می‌توان نظریه‌های فمینیستی لیبرال، مارکسیستی لیبرال، مارکسیستی، سوسیالیستی، رادیکال و روانکاوانه را قرار داد. صرف‌نظر از تفاوت، تمایز یا نابرابری جنسی، دیدگاه‌های فمینیستی را می‌توان از دو نظر تقسیم‌بندی کرد و آن‌ها را توضیح داد: یکی از نظر توضیح علت‌ها و ریشه‌های تفاوت و نابرابری جنسی، و دیگری از نظر زمان آغاز تفاوت یا نابرابری جنسی در افراد.

علت تفاوت یا نابرابری جنسی

فمینیست‌ها و نظریه‌پردازان جنسیت علل یا ریشه‌های تفاوت یا نابرابری جنسی را به شیوه‌های مختلفی توضیح داده‌اند.

۱. برخی از نظریه‌پردازان گفته‌اند که این تفاوت ناشی از خلقت متفاوت زن و مرد به‌ویژه کارکردهای جنسی آن‌ها است. تفاوت‌های تناسلی و هورمونی باعث شده تا دو جنس در اجتماع کارکردهای متمایزی به‌ویژه در خانواده داشته باشند و زنان مسئولیت زاییدن، شیر دادن بچه، مراقبت از کودکان را به عهده بگیرند و بر همین اساس نیز نسبت به مردان دلسوزتر و عاطفی‌تر باشند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۷۲ و فریدمن، ۱۳۸۱: ۲۳).

۲. برخی از نظریه‌پردازان گفته‌اند که زنان به خاطر سرنوشت بنیادی روانی متفاوت‌شان نسبت به مردان در یک سطح زندگی نازل‌تری از زندگی مردان قرار می‌گیرند. در این زمینه فروید معتقد است زنان انسان‌های درجه دومی از نظر روان‌شناختی محسوب می‌شوند (همان: ۴۸۵).

۳. برخی از نظریه‌پردازان گفته‌اند که غریزه تملک به‌طور عام در همه افراد به‌ویژه در مردان موجود نابرابری جنسی است. همچنین، شکل جدید خانواده که دیگر اشتراکی نیست، مالکیت مردان را هم بر نیروی کار زنان و هم بر بدن و محصول بدن آنان (فرزندان) شدت بخشیده است (همان: ۴۸۱) به عقیده نظریه‌پردازان جدیدتر مارکسیست نیز نابرابری جنسی ناشی از تولید سرمایه‌داری و تقسیم کار سازگار با این نظام است (فریدمن: ۱۱).

۴. برخی از نظریه‌پردازان، گفته‌اند که قدرت و نظام اقتداری به‌طور عام و نظام اقتدارگرایانه پدرسالار به‌طور خاص عامل دیگر نابرابری جنسی شناخته شده است. مردان از طریق مشارکت در این نظام که بنیادی‌ترین الگوی اجتماعی تسلط و مهم‌ترین ساختار نابرابری اجتماعی است یاد می‌گیرند که چگونه دیگران و به‌ویژه زنان را به دیده حقارت بنگرند و بر آنان نظارت

و سلطه خود را اعمال نمایند (همان: ۴۸۹).

۵. برخی از نظریه پردازان گفته‌اند که نابرابری جنسی ریشه در ارزش‌ها، نگرش‌ها و طرز تلقی افراد از دو جنس دارد. اگرچه واژه «جنس» به تفاوت‌های زیست‌شناختی در اندام‌های جنسی میان زن و مرد اشاره دارد، اما واژه «جنسیت» مسئله‌ای فرهنگی است و به مقوله‌بندی اجتماعی «مذکر» و «مؤنث» مربوط می‌شود (اکلی، ۱۹۷۲: ۱۶). همه نقش‌ها و اشکال رفتاری ملازم با زن بودن را جوامع مختلف و به‌طور تاریخی تولید کرده‌اند. آدمی زن‌زاده نمی‌شود، بلکه زن می‌شود. این موقعیت فرودست زنان امری طبیعی یا زیست‌شناختی نیست، بلکه جامعه و تمدن است که آن را به وجود می‌آورد. در این باره مونیک ویتیک معتقد است که جنسیت چیزی جز یک سازه اجتماعی نیست (فریدمن، ۱۹۶۳: ۳۲). تامس لاکوئه‌اور نیز جنسیت را سازه‌ای اجتماعی می‌داند و می‌گوید تا پایان قرن هفدهم، تن زن و مرد بر حسب تفاوت‌شان به تصور در نمی‌آمد و از قرن هجدهم است که تفاوت جنسی کشف شد (۱۹۹۰). سیمون دوبووار نیز اگرچه تفاوت‌های زیست‌شناختی زن و مرد را انکارناپذیر می‌داند، اما معتقد است این امر الزاماً موجب نابرابری جنسی نمی‌شود، بلکه نابرابری جنسی یک ساخت اجتماعی است و محصول فرهنگ مردسالاری است (همان: ۲۶). البته عده‌ای معتقدند مبدأ نابرابری جنسی در رویکرد سنت‌گرایانه بوده است که براساس آن زنان مادر بودن، تحت انقیاد و اقتدار مرد بودن را موجه، محتوم و طبیعی می‌دانستند و این در حالی است که پس از ظهور عصر روشنگری و آغاز خروج از سنت‌گرایی به تدریج تلقی از زن دچار دگرگونی شده است (مشیرزاده: ۱۸۳).

ارتر نیز مقام ثانوی زن را در جامعه یک قاعده جهانی دانسته و آن را واقعیتی مربوط به فرهنگ می‌داند. در جوامع مختلف و در چارچوب تصورات و نمادپردازی‌های فرهنگی، زنان نزدیک‌تر به «طبیعت» و مردان نزدیک‌تر به «فرهنگ» شناخته شده‌اند و بدین‌سان زنان نقش ثانوی پیدا کرده‌اند (ارتر، ۱۹۸۲: ۹۸۳؛ فریدمن، ۱۹۶۳: ۱۹).

بیم در کتاب *عینک‌های جنسیت: تغییر ماهیت منازعه بر سر نابرابری جنسی* به گونه‌ای دیگر نقش عامل فرهنگ را در شکل‌دهی به جنسیت و ارزش‌های مربوط به هر یک از دو جنس مطرح می‌سازد و معتقد است: بر اثر دخالت عامل فرهنگ، جنس که تفاوتی زیست‌شناختی میان زن و مرد است تبدیل به جنسیت که بارکردن ارزش‌های اجتماعی بر دو جنس است می‌شود. او به جهان‌بینی مبتنی بر جنسیت قایل است و آن را ناشی از وجود سه لنز یا عینک بر چشم افراد اجتماع می‌داند: عینک اول، عینک بیولوژیک است که براساس آن میان دو جنس به لحاظ زیست‌شناختی تفاوتی ذاتی و ماهوی قرار می‌دهد. این عینک در همه جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد و کاملاً یک عینک فرهنگی است. عینک دوم، آن است که اصل خلقت انسان را مربوط به

مردان دانسته و آفرینش زن را از مشتقات جنس مرد می‌داند. اعتقاد بر این است که انسان اول بار به هیئت مرد آفریده شده و سپس از پهلوی او زن آفریده شده است. مرد الگو و مدل اصلی است و زن از مشتقات آن است. این عینک نیز کاملاً فرهنگی است. سومین عینک، قطبیت جنسی است. اعتقاد مبتنی بر این که مرد و زن از نظر ویژگی‌های زیستی، روانی و شخصیتی در دو سر یک طیف یا در دو قطب مقابل یکدیگر قرار دارند (مثلاً، مردان عاقل و زنان عاطفی‌اند و امثال آن). درست مانند مقولات دوتایی جامعه‌شناختی از اجتماع و جامعه که در آن هر ویژگی که در اجتماع هست در جامعه نیست و بالعکس، زن و مرد نیز در تصور عمومی بدین‌گونه تلقی می‌شوند. این عینک کاملاً فرهنگی است. بدینسان هر سه عینک یک نوع مواجهه فرهنگی با دو جنس و، به عبارت دیگر، یک سازه اجتماعی‌اند (۱۹۹۳).

۶. برخی از نظریه‌پردازان عواملی مانند موقعیت اجتماعی، نقش‌های اجتماعی، تقسیم کار اجتماعی، هنجارهای دینی و قانونی را موجب نابرابری جنسی می‌دانند. گیلیگان در این زمینه ابتدا به اخلاقیات متفاوت زن و مرد که اولی بر محور اخلاقیات عملی، ارتباطی و مسئولیت و مراقبت و دومی بر اخلاقیات انتزاعی استوار است اشاره می‌کند و این تفاوت را مادرزادی یا زیست‌شناختی ندانسته، بلکه آن را مبتنی بر زمینه‌ای اجتماعی می‌داند که در آن عوامل موقعیت و قدرت اجتماعی با زیست‌شناسی تناسلی تلفیق شده‌اند (۱۹۸۲). نقش‌های زنان و مردان در زندگی زناشویی و خانوادگی نیز یکی از عوامل نابرابری جنسی شمرده شده است (گیدنز، ۴۷۶). آدرین ریچ نیز هنجارهای جنس‌گرایانه را در ساختار خانواده و نظام تربیت بچه براساس آن جست‌وجو می‌کند (وارهول و هرندل، ۱۹۹۱: ۳). چودورو نیز تقسیم جنسی و خانوادگی کار را که براساس آن زنان مادری می‌کنند و بیش از مردان درگیر روابط بین افراد و عاطفی‌اند علت نابرابری جنسی می‌داند. دختر و پسر نیز با درگیر شدن در چنین فرایندی و تفاوتی که در رابطه خود با مادر به منظور بازتولید نقش مادری در دختران می‌بینند از یکدیگر تفاوت پیدا می‌کنند (۱۹۸۹ و فریدمن، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۹). ارتتر نیز معتقد است تقسیم کار جنسی و نقش‌های تولید مثلی در خانواده مانع تحقق پایگاه اجتماعی و مساوی مردان برای آنان شده و زنان را به حوزه خصوصی و نقش‌های طبیعی محدود کرده و بازدارنده آنان از عرصه انتزاعی زندگی و ایفای نقش‌های فرهنگی همپای مردان شده است (۱۹۸۲ و تونگ، ۱۹۸۹).

ژانت لور نقش‌هایی را که دختران و پسران در بازی‌های کودکان انجام می‌دهند عامل مهم در فرایند جامعه‌پذیری و درونی کردن تفاوت‌ها و یا نابرابری‌های جنسی می‌داند. به نظر او، همان‌طور که پیشتر نیز هربرت مید و ژان پیاژه به اهمیت بازی‌های کودکان در فرایند اجتماعی شدن توجه کرده‌اند، کودکان از طریق بازی‌های کودکان نقش‌های بزرگسالی را به عهده گرفته و با

ایفای آن‌ها آن نقش‌ها را درونی می‌سازند. در این فرایند است که دختران عمدتاً نقش‌هایی را به عهده می‌گیرند که مرتبط است با خانه‌داری و بچه‌داری و متقابلاً پسران نقش‌هایی را ایفا می‌کنند که آنان را برای مشاغل متعدد در نظام اقتصادی و سیاسی آماده می‌سازد. (میرز، ۱۹۹۸: ۱۰۲-۱۱۱). ژانت سالتزمن نیز به نوعی دیگر دید جنسیتی تقسیم کار را عامل نابرابری جنسی می‌داند. این دید از همان دوران کودکی و در تمامی مراحل زندگی از طریق درگیر شدن در فرایندهای اجتماعی شدن به افراد انتقال می‌یابد. براساس همین دید است که مردان ترجیح می‌دهند به عنوان نیروی کار و زنان ترجیح می‌دهند به عنوان مادر و همسر ایفای نقش کنند (همان: ۱۶۰ و ۱۶۱). ماری دالی بر تأثیر نهاد مذهب و کاترین مک کینون بر تأثیر نهادهای قانونی و دولتی و وار هول و هرندل بر تأثیر سه نهاد مذهب، قانون، دولت و تربیت در تثبیت و تداوم هنجارهای جنس‌گرایانه تأکید گذاشته‌اند. از طریق نهادهای تربیتی، مذهبی و دولتی و قانونی است که زنان خودشان را در اختیار و تسلط مردان قرار می‌دهند و بدین‌سان حاکمیت عده‌ای بر عده‌ای دیگر نهادینه شده و کارکرد پیدا می‌کند. این نهادها با «غیرسازی» زنان نسبت به مردان موجب انزوا و دوری زنان از ساختارهای قدرت می‌شوند. این امر درست مانند پیگانه دانستن مردمی است که در سرزمین دیگری به‌سر می‌برند و از حقوق آن سرزمین محروم می‌شوند (وار هول و هرندل، ۱۹۹۱: ۳).

نابرابری جنسی از چه زمانی آغاز می‌شود و یا شدت پیدا می‌کند؟

در پاسخ به این سؤال پنج نظر وجود دارد:

۱. از آن‌جا که تفاوت جنسی امری زیست‌شناختی است، بنابراین از همان زمان که فرد حیات پیدا می‌کند محکوم به این تفاوت و براساس آن نابرابری جنسی است (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۷۰).

۲. از همان مرحله پیش‌آدایی رشد، مادران با دختران و پسران خود متفاوت رفتار می‌کنند. از آن دوران است که مادران نقش مادری را بازتولید می‌کنند و بدین‌سان ظرفیت‌های روانی دختران برای مادر شدن و ارتباط برقرار کردن و ظرفیت‌های روانی پسران برای استقلال از مادر و رقابت جویی گسترش می‌یابد (چودورو، ۱۹۹۴).

۳. نابرابری جنسی از دوران کودکی آغاز می‌شود. پسر بچه از همان آغاز در فرهنگی رشد می‌کند که برای مردانگی ارزش مثبتی قایل می‌شود و متقابلاً دختر بچه هویت زنانه خود را در فرهنگی می‌یابد که به زنان اهمیت کمی داده می‌شود. به عبارتی، از زمانی که بچه‌ها یک رابطه شناختی با محیط اجتماعی و فرهنگی خود برقرار می‌کنند، در متن این نابرابری اجتماعی قرار

گرفته آن را درونی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۸۷). ژانت لور آغاز نابرابری جنسی را از زمان شروع بازی‌های جمعی در بچه‌ها می‌داند. در این دوران است که بچه‌ها با ایفای نقش‌های بزرگسالان تمایز جنسی می‌یابند و دختر بچه‌ها نقش‌های مادری و پسر بچه‌ها نقش‌های حرفه‌ای را بازی می‌کنند و بدین‌سان نابرابری جنسی در فرد براساس تقسیم کار اجتماعی نابرابر آغاز می‌شود (میرز، ۱۹۹۸: ۱۰۲-۱۱۱).

۴. نابرابری جنسی از آغاز زندگی زناشویی و تعیین نقش‌های فرد در خانواده به عنوان مرد یا زن آغاز می‌شود و یا شدت پیدا می‌کند. از آن‌جا که خانواده و زندگی زناشویی و تقسیم کار جنسی نقش عمده در نابرابری جنسی دارد، بنابراین به‌طور خاص از این دوره است که این نابرابری شدت می‌یابد و زنان و مردان با ایفای نقش‌های واقعی بزرگسالی تمایز می‌یابند. البته نباید فراموش کرد که آن‌چه در دوران بزرگسالی و در خانواده انجام می‌شود به نحوی بر دختری بچه‌ها و پسر بچه‌ها در خانواده تأثیر گذاشته و آنان را از همان دوران کودکی مهیای ایفای نقش‌های اجتماعی بعدی می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۴: ۴۷۶ و روسالدو، ۱۹۷۴).

۵. نابرابری جنسی از دوران طفولیت آغاز شده و در تمامی مراحل زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد و تقویت می‌شود. سالتزن معتقد است که بچه‌ها از همان کودکی و طی فرایند تربیتی، رفتارها، مهارت‌های ادراکی و بین‌شخصی، ارزش‌ها و ترجیحاتی را می‌آموزند و تجربه می‌کنند که از نظر اجتماعی در اقتضای نقش جنسی آن‌هاست. بعداً براساس همین فرایند تربیتی است که مثلاً مردان ترجیح می‌دهند به عنوان نیروی کار عمل کنند و زنان نیز برای زندگی خانگی. بدین‌سان ملاحظه می‌شود که در آغاز، از طریق در معرض قرار گرفتن فرهنگی که در آن به مردان و زنان نقش‌های متفاوتی می‌دهد، نگرش آنان معطوف به نابرابری جنسی می‌شود و سپس در دوران بزرگسالی با ایفای نقش‌های واقعی براساس این نگرش عمل می‌کنند و از این طریق این نابرابری جنسی را تحکیم می‌بخشند (میرز، ۱۹۹۸: ۱۶۰).

با مروری بر نظریه‌های پیش‌گفته شاید نتوان ثابت کرد که آیا ریشه نابرابری‌های جنسی در وضعیت بیولوژیکی زن و مرد قرار دارد یا نه، چون انسان از بدو تولد در محیط اجتماعی قرار می‌گیرد و تحت تأثیر فرایندهای تربیتی، جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های اجتماعی شخصیت او شکل می‌گیرد. انتزاع افراد از این فرایند و بررسی تأثیر وضعیت بیولوژیکی آنان در نابرابری جنسی امکان‌پذیر نیست. اما بررسی این مطلب که کدام‌یک از شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و چه مرحله‌ای از دوران زندگی افراد در شکل‌گیری و تقویت نابرابری جنسی اهمیت بیشتری دارند امکان‌پذیر است و می‌توان با انجام دادن تحقیقات متعدد به این سؤال پاسخ داد. در ادامه مقاله، براساس داده‌های طرح «بررسی فعالیت و مصرف کالاهای

فرهنگی خانوارهای روستایی» ضمن ارائه تصویری از تفاوت‌های میان زنان و مردان روستایی در برخی از نقش‌های اجتماعی و نیز فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی، به سؤال مذکور پاسخ‌هایی داده خواهد شد. اما قبل از آن با توجه به مباحث نظری سؤال‌های تحقیق را مرور می‌کنیم:

۱. تفاوت یا نابرابری جنسی ناشی از خلقت متفاوت زن و مرد به‌ویژه کارکردهای جنسی آن‌ها است؟
۲. تفاوت یا نابرابری جنسی ناشی از نظام تولید و تقسیم کار اجتماعی مبتنی بر آن است؟
۳. تفاوت یا نابرابری جنسی ناشی از نظام اقتدارگرایی پدرسالار است؟
۴. تفاوت یا نابرابری جنسی ناشی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و طرز تلقی افراد یک جامعه از دو جنس است؟
۵. تفاوت یا نابرابری جنسی ناشی از موقعیت اجتماعی، نقش‌های اجتماعی، تقسیم کار اجتماعی و هنجارهای اجتماعی است؟
۶. تفاوت یا نابرابری جنسی از چه زمانی از زندگی افراد آغاز می‌شود: قبل از تولد، مرحله پیش‌آدیبی، در مرحله بازی‌های بچه‌گانه، در مرحله زندگی زناشویی یا در تمام مراحل زندگی؟

روش تحقیق

جمعیت آماری و نمونه: از آن‌جا که اطلاعات در سه سطح جمع‌آوری می‌شود، جمعیت آماری این طرح در سطح اول کلیه روستاهای بالای ۲۰ خانوار کشور، و در سطح دوم خانواده‌های معمولی ساکن در روستاهای مزبور (خانواده‌های معمولی غیرساکن و دسته‌جمعی از شمول طرح مستثنی هستند)، و در سطح سوم اعضای خانواده‌های مزبور می‌باشند. براساس آمارگیری سال ۷۵، روستاهای بیش از ۲۰ خانوار کشور، دارای ۴,۴۱۰,۴۷۰ خانوار و ۲۳,۰۲۶,۲۹۳ نفر جمعیت هستند.

روش تعیین حجم نمونه: با توجه به تنوع سؤالات و صفات مورد بررسی لازم است صفتی انتخاب شود که براساس آن تعداد نمونه برای صفات دیگر نیز اِپتیمم گردد. در این باره از اطلاعات به دست آمده از سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵ در مورد امکانات فرهنگی آبادی‌ها و با این دیدگاه که وجود امکانات فرهنگی در یک آبادی مترادف با توانایی استفاده از آن امکانات توسط خانوارها می‌باشد استفاده گردید. از بین امکانات و صفات پرسش شده در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵، دسترسی به شبکه سوم سیمای جمهوری اسلامی ایران با توجه به این‌که پایین‌ترین میزان برخورداری را نسبت به بقیه امکانات فرهنگی آبادی

داشت انتخاب گردید و با توجه به این که وجود پوشش این شبکه تلویزیونی به مفهوم توانایی استفاده خانوارها از این امکان فرهنگی در آبادی می باشد حجم نمونه براساس این صفت اپتیمم گردید. البته توضیح این نکته لازم است که پس از محاسبه تعداد نمونه اولیه در هر یک از استان ها، با توجه به سایر مشخصه ها و پراکندگی جمعیت هر استان از قبیل ویژگی های قومی، مذهبی، زبان محلی، تعداد خانوار و... ضریبی در نظر گرفته و براساس آن ها به تعداد نمره ها افزوده شده تا بدین وسیله نمونه معرف به دست آید.

شیوه نمونه گیری و واحد نمونه گیری: نمونه گیری در این طرح در دو مرحله انجام شده است: در مرحله اول، جمعاً ۱۸۲۱ روستای بالای ۲۰ خانوار در ۲۸ استان کشور با روش نمونه گیری احتمال متناسب (PPS)؛ و در مرحله دوم، تعداد ۱۴۵۶۸ خانواده به روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است. و بنابراین، واحد نمونه گیری در این طرح عبارت است از یک آبادی مسکونی دارای حداقل ۲۰ خانواده و در هر آبادی نمونه، ۸ خانواده که به طور تصادفی سیستماتیک و در محل انتخاب شده اند.

در مرحله اول، برای انتخاب روستاها، در هر استان به طور جداگانه براساس ج.و.ز. تراوانی تراکمی از جمعیت روستاهای استان (تعداد خانوار) و مراجعه به جدول اعداد تصادفی تعداد نمونه برآورد شده برای هر استان انتخاب شده است. در مرحله دوم، در محل روستا، تعداد خانواده های ساکن در آبادی تقسیم بر ۸ شده و عدد به دست آمده را به عنوان فاصله خانواده های نمونه از یکدیگر در نظر گرفته، همچنین در فاصله یک و آن عدد عددی تصادفی انتخاب شده و بدینسان ۸ خانواده نمونه انتخاب شده اند. ضمناً، در صورت نبودن اعضای خانواده نمونه در خانه به خانه بعدی مراجعه شده است.

واحد تحلیل: در این طرح، اطلاعات در سه سطح آبادی، خانواده و اعضای خانواده جمع آوری شده و برای هر سطح پرسشنامه جداگانه ای در نظر گرفته شده است. در سطح آبادی ۱۲۵، در سطح خانواده ۱۲۸ و در سطح اعضای خانواده ۳۱۱ اطلاعات گردآوری شده است. اطلاعات اعضای خانواده صرفاً درباره افراد بالای ۶ سال است و افراد ۶ ساله و پایین تر خانواده را شامل نمی شود.

اگرچه طرح مزبور درباره بررسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی خانوار روستایی است، لیکن به دلایلی اطلاعات مربوط به آبادی هایی که خانوارهای نمونه در آن واقع هستند نیز جمع آوری شده است. این دلایل به شرح ذیل است:

روش جمع آوری اطلاعات: تکمیل پرسشنامه های آبادی با مراجعه مستقیم و مصاحبه با اعضای شورای ده، و پرسشنامه های خانواده از طریق مراجعه مستقیم و مصاحبه با سرپرست یا

همسر او تکمیل شده است. در مراجعه به هر یک از روستاها یک تیم سه نفره شامل یک سرگروه و دو پرسشگر عمل کرده است. سرگروه کار انتخاب نمونه‌ها و کنترل پرسشنامه‌ها در محل را به عهده داشته تا با توجه به امکان کم بازگشت به روستا، برای سؤالات از قلم افتاده یا پاسخ‌های اشکال‌دار پرسشنامه‌ها در محل از پرسشگران بخواهد تا اشکالات را برطرف کنند. البته در ستاد مرکز استان نیز بر حسب تعداد روستاهای هر استان یک تا سه نفر پرسشنامه‌ها را کنترل کرده‌اند. زمان جمع‌آوری اطلاعات: از پانزدهم بهمن ماه ۱۳۷۹ به مدت ۱۵ روز کاری بوده است.

تفاوت زنان و مردان روستایی در موقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

وضع فعالیت روستاییان کشور، در جدول شماره (۱) مشخص شده است. همان‌طور که در جدول مزبور ملاحظه می‌شود، نقش‌های خانه‌داری کاملاً بر عهده زنان است و متقابلاً مردان در نقش‌های شغلی ایفای وظیفه می‌کنند. اگرچه زنان شاغل نیز داریم اما تعداد مردان شاغل بیش از ۱۱ برابر زنان شاغل است. شاید زنان به‌ویژه در اقتصاد خانوادگی و کشاورزی نقش داشته باشند، اما حتی تلقی از شاغل و غیرشاغل در روستاها براساس تلقی رایج و سنتی مبنی بر این است که مردان شاغل و زنان خانه‌دار هستند و معمولاً کمتر کسی زنان کمک کار در اقتصاد کشاورزی را شاغل به حساب می‌آورد، مگر آن‌که شوی آنان مرده یا از کار افتاده باشند و آنان در نقش سرپرست خانواده به جای مرد به‌منظور کسب درآمد و اداره زندگی خود را شاغل به حساب آورند.

جدول ۱. وضعیت شغلی روستاییان کشور به تفکیک جنس

درصد ستونی		درصد سطری		
مرد	زن	مرد	زن	
۴۴/۲	۳/۹	۹۲/۴	۷/۶	شاغل
۱۳/۲	۵	۷۴/۴	۲۵/۶	بیکار
۳۵	۳۱/۲	۵۵	۴۵	محصل
۱/۳	۰/۸	۶۴/۵	۳۵/۵	دانشجو
	۵۶/۹		۱۰۰	خانه‌دار
۳/۱	۲	۶۲/۶	۳۷/۴	دارای درآمد بدون کار
۳/۱	۰/۱	۹۵	۵	سرباز، طلبه

این نکته را نیز در بررسی جنسیت سرپرستان خانواده می‌توان دریافت. ۹۵/۴ درصد سرپرستان خانواده‌های روستایی مرد و تنها ۴/۶ درصد زن هستند. در خانواده‌هایی که سرپرست

آنان زن است احتمالاً مرد خانه فوت کرده، از کار افتاده و یا برای مدت طولانی به مهاجرت رفته است. در این جا دو نکته قابل تأمل است: یکی این تلقی فرهنگی که مردان نان آور خانواده و در نتیجه سرپرست خانه محسوب می شوند و صرفاً در نبود آنان است که زنان می توانند سرپرست و نان آور خانواده محسوب شوند. دومین نکته آن که زنان در صورتی شاغل محسوب می شوند که در نقش سرپرست خانواده قرار گیرند و این نیز در صورتی امکان پذیر است که مرد آنان فوت کرده و یا در خانه نباشد.

نوع شغل زنان و مردان شاغل روستایی کشور در جدول شماره (۲) طبقه بندی شده است. همان طور که ملاحظه می شود، زنان شاغل روستایی در مشاغل خدماتی رتبه اول را دارند و بیش از نیمی از آنان در این نوع مشاغل کار می کنند. پس از آن نیز مشاغل کشاورزی اهمیت دارند. در حالی که مردان شاغل روستایی به ترتیب در مشاغل کشاورزی و کارگری و امور حمل و نقل بیشترین فعالیت را انجام می دهند. تفاوت دیگر میان مشاغل زنان و مردان در امور بازرگانی است. در امور دفتری، علمی، فنی و تخصصی نیز در روستاها نسبت زنان شاغل به مردان شاغل بیشتر است. در واقع می توان این گونه تحلیل کرد که زنان با توجه به تلقی خاصی که از آنان وجود دارد، در کارهای خدماتی مشابه آنچه که در خانه انجام می دهند و کارهایی که نیاز به فعالیت های بدنی سخت و دشوار نباشد مانند امور دفتری وارد می شوند و از کارهایی که مستلزم بررسی دقیق سود و زیان باشد مانند تجارت احتراز می کنند.

جدول ۲. طبقه بندی مشاغل روستاییان به تفکیک جنس

درصد ستونی		درصد سطری		
مرد	زن	مرد	زن	
۵/۶	۹/۱	۸۸/۲	۱۱/۸	علمی، فنی، تخصصی
۰/۱	۰/۱	۹۵	۵	کارکنان عالی رتبه
۶/۲	۹	۸۹/۴	۱۰/۶	امور دفتری
۵/۸	۲/۱	۹۷/۱	۲/۹	امور بازرگانی
۶/۳	۵۰/۷	۶۰/۱	۳۹/۹	امور خدماتی
۵۳/۶	۱۹/۹	۹۷	۳	مشاغل روستایی (مانند کشاورزی)
۲۱/۲	۲/۵	۹۸/۷	۱/۳	کارگری و امور حمل و نقل
۱/۲	۵/۶	۷۲/۷	۲۷/۳	نامشخص

میزان سواد و تحصیلات زنان و مردان روستایی کشور در جدول شماره (۳) طبقه بندی شده

است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، نسبت زنان بی‌سواد نزدیک به دو برابر مردان بی‌سواد است و اگرچه در مقطع ابتدایی تقریباً درصد دختران و پسران یکسان است، اما هرچه به سطوح بالاتر تحصیلی می‌رویم، نسبت سطح تحصیلات مردان روستایی بیشتر از نسبت سطح تحصیلات زنان روستایی می‌شود، به طوری که نسبت مردان روستایی به زنان روستایی در مقطع لیسانس نزدیک به سه برابر و در مقطع بالاتر از لیسانس بیش از ۷ برابر است.

میانگین اوقات فراغت مردان در روزهای کار ۵ ساعت و ۸ دقیقه و در روزهای تعطیل ۸ ساعت و ۵۶ دقیقه است، در حالی که میانگین اوقات فراغت زنان در روزهای کار ۵ ساعت و ۴۳ دقیقه و در روزهای تعطیل ۸ ساعت و ۲ دقیقه است. در واقع، میانگین اوقات فراغت مردان نسبت به زنان در روزهای کشت و کار ۳۵ دقیقه کمتر و متقابلاً در روزهای تعطیل ۵۴ دقیقه بیشتر است. این امر نیز با تقسیم کار جنسی در درون و بیرون خانه ارتباط پیدا می‌کند. روزهای کشت و کار مردان شاغل‌اند و وقت فراغت کمتر دارند و زنان در این روزها که مردان شاغلند

جدول ۳. سطح تحصیل روستاییان به تفکیک جنس

درصد ستونی		درصد سطری		
مرد	زن	مرد	زن	
۱۵/۶	۲۸/۶	۳۷/۳	۶۲/۷	بی‌سواد
۴۰/۴	۴۳/۹	۵۰/۵	۴۹/۵	ابتدایی
۲۳/۷	۱۵/۸	۶۲/۱	۳۷/۹	راهنمایی
۱۷	۱۰/۶	۶۳/۷	۳۶/۳	متوسطه
۳	۱/۳	۷۳/۶	۲۶/۴	لیسانس
۰/۲	۰/۰	۸۷/۹	۱۲/۱	بالاتر از لیسانس

وقت فراغت بیشتر دارند، اما در روزهای تعطیل در حالی که مردان بیشتر در استراحت به سر می‌برند و چندان وظیفه‌ای در امور خانه‌داری به عهده ندارند، زنان و دختران به امور خانه‌داری بیشتر از روزهای کاری مشغول‌اند و بنابراین وقت فراغت کمتر از مردان دارند. انجام دادن وظایف خانه‌داری اگرچه عمدتاً در نقش زنان شوهردار است، اما دختران خانه نیز با کار خانگی بیشتر از پسران خود را مهیای ایفای نقش‌های بعدی می‌کنند. در روزهای تعطیل میانگین اوقات فراغت پسران نیز بیشتر از دختران است. در روزهای تعطیل میانگین اوقات فراغت دختران در گروه‌های سنی ۱۲ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۱۸ سال به ترتیب برابر ۹ ساعت ۱۰ دقیقه و ۸ ساعت ۲۱ دقیقه و میانگین اوقات فراغت پسران در گروه‌های سنی مزبور به ترتیب ۹ ساعت ۲۶ دقیقه و ۸

ساعت ۵۸ دقیقه است. یعنی در روزهای تعطیل پسران در گروه‌های سنی مزبور به ترتیب ۱۶ و ۳۷ دقیقه بیشتر از دختران اوقات فراغت دارند. در جدول ۴ میزان اوقات فراغت به تفکیک دو جنس و گروه‌های سنی آمده است.

جدول ۴. میزان اوقات فراغت روستاییان به تفکیک جنس و روزهای کار و تعطیل

اختلاف به دقیقه	روزهای تعطیل		اختلاف به دقیقه	روزهای کار		گروه‌های سنی (سال)
	مرد	زن		مرد	زن	
۱	۹/۵۳	۹/۵۲	۶	۶/۰۲	۶/۰۸	۱۱-۷
۱۶	۹/۲۶	۹/۱۰	۹	۵/۴۱	۵/۵۰	۱۴-۱۲
۳۷	۸/۵۸	۸/۲۱	۱۱	۵/۲۸	۵/۳۹	۱۸-۱۵
۵۳	۸/۲۸	۷/۳۵	۳۴	۵/۰۷	۵/۴۱	۲۵-۱۹
۹۹	۸/۲۹	۶/۵۰	۵۷	۴/۱۷	۵/۱۴	۴۰-۲۶
۸۶	۸/۲۶	۷	۷۵	۴/۱۲	۵/۳۷	۶۴-۴۱
۲۶	۹/۲۶	۹/۰۱	۱۱۰	۵/۵۹	۷/۴۹	بالتر از ۶۴
۵۴	۸/۵۶	۸/۰۲	۳۵	۵/۰۸	۵/۴۳	کل

تفاوت زنان و مردان روستایی در فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی

در جدول شماره (۵) میزان فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی زنان و مردان روستایی به تفکیک آمده است. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی مردان و زنان روستایی در برخی از امور تقریباً مشابه و در برخی از امور متفاوت است. در ارتباط با رسانه‌های تصویری مانند تلویزیون و ویدئو و در فعالیت‌هایی مانند قرآن و دعا خواندن و شرکت در مجالس مذهبی زنان تقریباً مشابه مردان مصرف و یا فعالیت می‌کنند. اما در سایر موارد سه نوع تفاوت وجود دارد. در ارتباط با رسانه‌های صوتی مانند رادیو، ضبط صوت و رسانه‌های مکتوب مانند مطبوعات و کتاب زنان مصرف تا حدودی کمتر از مردان دارند و بهره‌مندی آنان از این نوع کالاها تا حدودی کمتر است. در فعالیت‌هایی مانند گپ زدن، به شهر رفتن به منظور استفاده از مراکز تفریحی و سرگرمی، شرکت کردن در نماز جماعت و انجام دادن کارهای عام‌المنفعه نیز زنان کمتر از مردان مشارکت می‌کنند. اما تفاوت بسیار عمده میان زنان و مردان به دو نوع فعالیت هنری و بازی و ورزش معطوف است. زنان چندین بار بیشتر از مردان در انجام دادن فعالیت‌های هنری و صنایع دستی و چندین بار کمتر از مردان در انجام دادن بازی و ورزش فعالیت و گذران اوقات فراغت می‌کنند. ظاهراً در انجام دادن کارهای هنری و صنایع دستی مانند قالببافی، خیاطی و گلدوزی و... ورود مردان روستایی کمتر مجاز

است و متقابلاً زنان روستایی به انجام دادن بازی و ورزش که بیشتر فعالیتی مردانه محسوب می‌شود، چندان رغبتی نشان نمی‌دهند. در واقع در این دو فعالیت، تمایز جنسی بسیار آشکاری وجود دارد. در حالی که در سایر فعالیت‌ها و مصرف کالاهای فرهنگی چنین تمایز آشکاری دیده نمی‌شود. نکته جالب‌تر این‌که در برابر رسانه‌های جدید یا مصرف کالاهای فرهنگی جدید، تمایز جنسی یا اصلاً دیده نمی‌شود و یا این تمایز چندان اهمیتی ندارد، در حالی که در برابر بسیاری از فعالیت‌های فراغتی سنتی این تمایز، زیاد و یا خیلی زیاد است.

جدول ۵. میزان فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاییان به تفکیک جنس

	مرد		زن	
	زیاد	بنفرت و کم	زیاد	بنفرت و کم
مطالعه کتاب	۷۶/۵	۲۳/۵	۷۹/۸	۲۰/۲
مطالعه مطبوعات	۸۰/۷	۱۹/۳	۸۹/۶	۱۱/۴
رادیو گوش دادن	۵۳/۹	۴۶/۱	۵۹/۱	۴۰/۹
دیدن تلویزیون	۱۳	۸۷	۱۲/۴	۸۷/۶
ضبط صوت گوش دادن	۶۳/۴	۳۶/۶	۶۹/۱	۳۰/۹
دیدن ویدئو	۹۵/۲	۶/۸	۹۴/۳	۵/۷
رفتن به شهر	۸۹/۲	۱۰/۸	۹۴/۱	۵/۹
گپ زدن	۳۳/۸	۶۶/۲	۴۳/۹	۵۶/۱
کارهای عام‌المنفعه	۹۱/۵	۸/۵	۹۷	۳
قرآن و دعا خواندن	۶۴/۸	۳۵/۲	۶۵/۸	۳۴/۲
شرکت در نماز جماعت	۷۴	۲۶	۸۳	۱۷
شرکت در مجالس مذهبی	۸۹/۵	۱۰/۵	۹۰/۵	۹/۵
انجام دادن کارهای هنری	۹۴/۶	۵/۴	۷۶/۷	۲۳/۳
انجام دادن بازی و ورزش	۵۳/۲	۴۶/۸	۸۰/۵	۱۹/۵

از نظر بهره‌مندی از محتوای کالاهای فرهنگی مانند رادیو و تلویزیون و استفاده از نوع برنامه‌های این دو رسانه نیز تفاوت‌هایی میان زنان و مردان روستایی وجود دارد. همان‌طور که در جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود، تفاوت‌های محسوس میان بهره‌مندی زنان و مردان روستایی از برنامه‌های رادیو مربوط به برنامه‌های خانواده و ورزشی و پس از آن برنامه اخبار است. زنان بیش از سه برابر مردان برنامه‌های خانواده و بیش از سه برابر کمتر از مردان از برنامه‌های ورزشی رادیو استفاده می‌کنند. همچنین مردان نزدیک به ۱/۵ برابر بیشتر از زنان به اخبار رادیو گوش می‌دهند.

جدول ۶. میزان بهره‌مندی روستاییان از برنامه‌های رادیو به تفکیک جنس

درصد ستونی		مرد درصد سطری		
زن	مرد	زن	مرد	
۲۲/۷	۳۲/۶	۳۸/۹	۶۱/۱	اخبار
۱۲/۳	۱۳/۴	۴۵/۶	۵۴/۴	موسیقی
۱۶/۲	۱۵/۵	۴۸/۹	۵۱/۱	تفریحی، سرگرمی
۱۰/۸	۱۱/۲	۴۷/۰	۵۳/۰	برنامه روستایی
۱/۷	۵/۵	۲۲/۲	۷۷/۸	برنامه ورزشی
۵/۲	۴/۱	۵۳/۷	۴۶/۳	صبحگاهی
۲/۰	۲/۲	۴۴/۹	۵۵/۱	راه شب
۴/۰	۲/۴	۵۱/۷	۴۸/۳	داستان
۱/۵	۲/۱	۳۹/۲	۶۰/۸	سخنرانی
۳/۱	۲/۷	۵۱/۰	۴۹/۰	کودک
۷/۶	۲/۱	۷۷/۲	۲۲/۸	خانواده

جدول ۷. میزان بهره‌مندی روستاییان از برنامه‌های تلویزیون به تفکیک جنس

درصد ستونی		مرد درصد سطری		
زن	مرد	زن	مرد	
۲۹/۱	۴۰/۴	۳۹/۷	۶۰/۳	اخبار
۵/۸	۵/۸	۴۸/۰	۵۲/۰	موسیقی
۶/۴	۵/۳	۵۲/۲	۴۷/۸	تفریحی، سرگرمی
۱/۷	۲/۵	۳۸/۵	۶۱/۵	مسابقات
۷/۴	۲۳/۸	۲۲/۱	۷۷/۹	ورزشی
۴/۴	۲/۷	۶۰/۲	۳۹/۸	صبحگاهی
۶۵/۳	۵۷/۹	۵۰/۸	۴۹/۲	فیلم سینمایی
۶۲/۸	۵۲/۴	۵۲/۴	۴۷/۶	سریال
۱/۸	۲/۳	۴۱/۰	۵۹/۰	سخنرانی، میزگرد
۲۰/۱	۱۷/۴	۵۱/۴	۴۸/۶	کودک
۱/۱	۱/۷	۵۷/۷	۴۲/۳	علمی
۱/۱	۱/۴	۴۳/۰	۵۷/۰	مستند
۱/۲	۱/۶	۶۳/۹	۳۶/۱	بازرگانی
۹/۵	۱/۳	۹۶/۵	۳/۵	هنری، آئینزی

در ارتباط با برنامه‌های تلویزیون نیز همان‌طور که در جدول شماره (۷) ملاحظه می‌شود، زنان روستایی تقریباً به‌طور انحصاری برنامه‌های آشپزی و هنری تلویزیون را می‌بینند، در حالی‌که بینندگان این‌گونه برنامه‌ها از سوی مردان روستایی نزدیک به صفر است. در مقابل، مردان بیش از سه برابر بیشتر از زنان برنامه‌های ورزشی تلویزیون را می‌بینند. تماشای برنامه‌های اخبار و مسابقات نیز از سوی مردان کمی بیشتر از زنان و تماشای برنامه‌های صبحگاهی، فیلم و سریال و تفریحی و سرگرمی و تبلیغات بازرگانی از سوی زنان کمی بیشتر از مردان است.

یافته‌های جدول‌های (۶) و (۷) نیز حاکی از آن است که توجه به برنامه‌های رادیو و تلویزیون از سوی زنان و مردان بیشتر مرتبط با تقسیم کار جنسی و در نظر گرفتن کار مردان در بیرون از خانه و امور رقابتی، سیاسی و اقتصادی و کار زنان در درون خانه و در امور تفریحی و خانه‌داری است.

تمایز جنسی در فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در گروه‌های سنی مختلف

میزان فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی مردان و زنان روستایی در گروه‌های سنی مختلف در جدول شماره (۸) آمده است.^۱ نتایجی به شرح زیر به دست می‌آید:

۱. تمایز جنسی آشکاری میان دختران و پسران روستایی در گروه سنی ۷ تا ۱۱ ساله در مصرف کالاهای فرهنگی وجود ندارد و صرفاً تفاوت کمی میان دو جنس از نظر فعالیت‌های هنری و بازی و ورزش وجود دارد. دختران ۱/۳۸ برابر پسران کارهای هنری و پسران نیز به همین نسبت بیش از دختران بازی و ورزش می‌کنند.

۲. از سن ۱۲ تا ۱۴ سالگی، تفاوت میان دختران و پسران از نظر فعالیت‌های هنری و ورزشی به تمایزی برجسته و قابل ملاحظه تبدیل می‌شود. دختران ۲/۵ برابر پسران کارهای هنری و پسران نزدیک دو برابر دختران ورزش و بازی می‌کنند. در سایر زمینه‌ها هنوز تفاوت عمده‌ای مشاهده نمی‌شود.

۳. از سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی تمایز جنسی علاوه بر فعالیت‌های هنری و ورزشی در سایر فعالیت‌های فراغتی مورد تأکید قرار می‌گیرد و به‌ویژه این تمایز در فعالیت‌های فراغتی زنان در

۱. میزان فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در دو مقوله اندازه‌گیری شده‌اند ۱. به‌ندرت و کم ۲. زیاد. در این جدول به منظور کمتر شدن فضای جدول در مقابل هر فعالیت یا کالا صرفاً میزان زیاد ذکر شده است. همچنین هفت گروه سنی ۷ تا ۱۱، ۱۲ تا ۱۴، ۱۵ تا ۱۸، ۱۹ تا ۲۵، ۲۶ تا ۴۰، ۴۱ تا ۶۴ و بالاتر از ۶۴ سال با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

درون خانه و مردان در بیرون خانه شدت می‌یابد. از این مقطع سنی به بعد میزان رفتن مردان به شهر برای استفاده از مراکز تفریحی و سرگرمی آن، حضور در سر کوچه و خیابان گپ زدن با یکدیگر و نیز انجام دادن کارهای عام‌المنفعه زیادتر از زنان می‌شود. همراه با آن در مصرف کالاهای فرهنگی نیز در دو مورد مطالعه مطبوعات و گوش دادن به ضبط صوت تفاوت محسوسی میان مردان و زنان پیدا می‌شود و مصرف مردان از این دو کالا بیشتر از زنان می‌شود. در این مقطع، همچنین زمان فراغت روزهای تعطیل زنان نسبت به مردان کاهش می‌یابد. در واقع، سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی برای زنان روستایی تقریباً سن ورود به ازدواج و آمادگی برای ایفای نقش‌های همسری و خانگی است.

جدول ۸. میزان فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاییان به تفکیک سن و جنس

۱۹-۲۵ سال		۱۵-۱۸ سال		۱۲-۱۴ سال		۷-۱۱ سال		
زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
۲۸/۱	۲۸/۹	۳۵	۳۲	۳۳/۷	۲۹/۱	۲۲/۵	۲۰/۷	مطالعه کتاب
۲۰/۳	۳۲/۵	۲۱/۸	۲۷/۶	۱۴/۵	۱۵/۵	۶/۱	۶/۲	مطالعه مطبوعات
۴۸	۴۹/۹	۴۲/۴	۴۳	۳۵/۱	۳۳/۷	۲۵/۵	۲۶/۴	رادیو گوش دادن
۸۹	۸۵/۴	۹۰/۱	۸۷/۵	۸۹/۴	۸۸/۲	۸۷	۸۷/۹	دیدن تلویزیون
۴۳	۵۰/۴	۳۹/۶	۴۵/۷	۳۳/۳	۳۵/۵	۲۴/۸	۲۵/۹	ضبط گوش دادن
۷/۴	۸/۸	۶/۳	۷/۷	۵/۷	۶/۲	۵/۶	۵/۸	دیدن ویدئو
۷/۱	۱۵/۹	۵/۹	۱۲/۳	۵	۶/۶	۴/۲	۵	رفتن به شهر
۵۶/۱	۶۸/۳	۵۱/۷	۶۵/۳	۴۸/۸	۵۹/۵	۴۷/۱	۵۲/۲	گپ زدن
۳/۳	۸/۴	۴/۲	۸/۸	۳/۷	۴/۷	۱/۵	۱/۹	کارهای عام‌المنفعه
۴۵/۴	۲۸/۸	۴۸/۵	۴۸/۸	۴۱/۳	۳۶	۲۵/۵	۲۲/۱	قرآن و دعا خواندن
۱۵/۵	۲۵/۶	۱۷/۵	۲۴/۲	۱۵/۹	۱۹/۹	۹/۹	۱۱/۳	نماز جماعت
۱۰/۱	۱۰/۴	۸/۶	۹	۷	۶/۵	۵/۳	۴/۲	مجالس مذهبی
۳۴/۷	۵/۳	۳۱/۳	۷/۴	۲۳/۳	۹/۴	۱۱/۷	۸/۵	انجام دادن کارهای هنری
۸/۲	۴۹/۸	۲۴	۷۲/۱	۴۲/۹	۸۱/۷	۵۷/۶	۷۹/۵	انجام دادن بازی و ورزش

۴. اگر چه تقریباً تا مقطع سنی ۱۹ تا ۲۵ سالگی در برخی از فعالیت‌ها و کالاهای فرهنگی وضع زنان کمی بهتر و یا مساوی مردان است (مانند مطالعه کتاب، گوش دادن به رادیو، خواندن قرآن و دعا و میزان اوقات فراغت روزهای کاری) اما از مقطع سنی ۱۹ تا ۲۵ سال به بعد فعالیت‌ها و مصرف کالاهای فرهنگی زنان (به استثنای فعالیت‌های هنری و دیدن تلویزیون و ویدئو و شرکت در مجالس مذهبی) به‌طور چشمگیری با افزایش سن از مردان فاصله می‌گیرد و

کاهش می‌یابد. در واقع، این گروه سنی نقطه عطفی در تمایز جنسی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی به حساب می‌آید. این امر احتمالاً مربوط به نهاد زناشویی و تشکیل خانواده و ایفای ادامه جدول ۸. میزان فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاییان به تفکیک سن و جنس

کل	بالتر از ۶۴ سال		۴۱-۶۴ سال		۲۶-۴۰ سال			
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن		
۲۰/۲	۲۳/۵	۰/۶	۸/۱	۲/۲	۱۳/۳	۱۱	۲۴/۳	مطالعه کتاب
۱۱/۴	۱۹/۳	۰/۱	۲	۱/۳	۹/۶	۸/۶	۲۸/۳	مطالعه مطبوعات
۴۰/۹	۴۶/۱	۳۶/۳	۵۲/۸	۴۳/۵	۵۸/۲	۴۷/۴	۵۶/۲	رادیو گوش دادن
۸۷/۶	۸۷	۷۰/۱	۷۸/۴	۸۵/۸	۸۷/۴	۸۸/۴	۸۸/۹	دیدن تلویزیون
۳۰/۹	۳۶/۶	۱۰/۲	۱۴/۶	۱۸/۸	۲۶/۸	۳۱/۴	۴۲/۸	ضبط گوش دادن
۵/۷	۶/۸	۱/۷	۱/۹	۴/۱	۴/۹	۶/۱	۸/۸	دیدن ویدئو
۵/۹	۱۰/۸	۲/۴	۷/۱	۵/۸	۱۰/۹	۷/۵	۱۳/۷	رفتن به شهر
۵۶/۱	۶۶/۲	۶۴/۹	۷۵/۹	۶۳/۴	۷۴/۲	۶۲/۸	۶۹/۶	گپ زدن
۳	۸/۵	۱/۷	۷/۴	۲/۶	۱۴/۴	۳/۲	۱۳/۱	کارهای عام‌المنفعه
۳۴/۳	۳۵/۲	۱۶/۳	۲۸	۲۰	۳۵/۸	۳۱	۴۱/۱	قرآن و دعا خواندن
۱۷	۲۶	۲۰/۸	۳۴/۵	۲۲/۵	۳۶/۶	۱۸	۳۰/۹	نماز جماعت
۹/۵	۱۰/۵	۱۲/۹	۱۶/۴	۱۲/۵	۱۴/۹	۱۱/۳	۱۳/۳	مجالس مذهبی
۲۳/۳	۵/۴	۳/۳	۰/۷	۱۴/۲	۱/۲	۲۷/۶	۴/۲	انجام دادن کارهای هنری
۱۹/۵	۴۶/۸	۱/۴	۱/۲	۱	۵/۵	۲/۶	۲۶/۵	انجام دادن بازی و ورزش

نقش بزرگسالی است. همان‌طور که پیشتر گفته شد، براساس بسیاری از نظریه‌های فمینیستی، این نهاد نقش عمده‌ای در تشدید تمایز جنسی و یا نابرابری جنسی دارد. در این مقطع سنی، زنان نسبت به مردان ۶/۵ برابر بیشتر کارهای هنری و ۶ برابر کمتر بازی و ورزش می‌کنند. مردان نسبت به زنان بیش از دو برابر به شهر برای امور تفریحی می‌روند و در امور عام‌المنفعه فعالیت می‌کنند. همچنین مردان بیش از ۱/۶ برابر زنان در نماز جماعت شرکت کرده و روزنامه و مجله می‌خوانند و به همین میزان نیز زنان فراغت بیشتری در روزهای تعطیل دارند.

۵. از مقطع سنی ۲۶ تا ۴۰ سال، تمایز جنسی در میزان بهره‌مندی از رسانه‌های مکتوب شدت می‌یابد. در این مقطع سنی، مردان نسبت به زنان بیش از دو برابر کتاب و بیش از سه برابر روزنامه و مجله می‌خوانند. در مقطع سنی ۴۱ تا ۶۴ سال، این تمایز بیشتر هم می‌شود. در این مقطع سنی میزان مطالعه کتاب مردان نسبت به زنان شش برابر و میزان مطالعه روزنامه و مجله آنان بیش از هفت برابر می‌شود. این نسبت‌ها در مقطع سنی بیش از ۶۴ سال به بیش از ۱۳ برابر

برای کتاب و ۲۰ برابر برای مطبوعات می‌رسد. تفاوت‌ها و تمایزهای جنسی از نظر فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در مقاطع سنی ۲۶ تا ۴۰ و پس از آن تقریباً (به‌جز موارد کارهای هنری که به نفع زنان و کارهای عام‌المنفعه که به نفع مردان بیشتر می‌شود) چندان تغییری نسبت به مقطع سنی ۱۹ تا ۲۵ سال نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

در بررسی موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان و مردان روستایی مشخص شد که نقش‌های خانه‌داری کاملاً بر عهده زنان است، در حالی که نقش‌های مردان منحصر به بیرون خانه و ایفای نقش‌های شغلی است. همچنین، گفته شد که در توزیع مشاغل نیز معمولاً مشاغل سخت مربوط به مردان و مشاغل خدماتی مشابه خانه مربوط به زنان است. این امر این فرض را تقویت می‌کند که تفاوت یا نابرابری جنسی ناشی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و طرز تلقی افراد یک جامعه از دو جنس است. این فرضیه حتی در مورد تحصیل دختران در روستا نیز وجود دارد و خانواده‌های روستایی معمولاً فرزندان دختر خود را کمتر به مدرسه می‌فرستند. این تمایز به‌ویژه در مقاطع تحصیلی بالا بیشتر است. در واقع، تلقی روستاییان آن است که اولاً دختران کمتر از پسران نیاز به سواد دارند، ثانیاً برای دختران صرفاً سوادآموزی کافی است و کسب مدارج تحصیلی بالاتر که منجر به نیل به موقعیت شغلی و اجتماعی است لزومی ندارد، چون کار زنان و دختران در خانه است. البته همان‌طور که در شهرها اتفاق افتاده، این نگرش سنتی با نفوذ اندیشه‌های مدرن در سال‌های گذشته در حال دگرگون شدن است.

در بررسی میزان اوقات فراغت زنان و مردان روستایی نیز تفاوت یا نابرابری جنسیتی را می‌توان ملاحظه کرد. زنان در روزهای کار میزان اوقات فراغت زیادتر از مردان و برعکس در روزهای تعطیل میزان اوقات فراغت کمتر از مردان دارند. این امر این فرض را تقویت می‌کند که تفاوت یا نابرابری جنسیتی در میزان اوقات فراغت ناشی از موقعیت اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و تقسیم کار اجتماعی است، که این نیز ناشی از همان فرض سابق مبنی بر طرز تلقی افراد یک جامعه از دو جنس است.

در بررسی نوع فعالیت افراد در اوقات فراغت، مشخص شد که زنان چندین بار بیشتر از مردان در انجام دادن فعالیت‌های هنری و صنایع دستی و چندین بار کمتر از مردان در انجام دادن بازی و ورزش فعالیت و گذران اوقات فراغت می‌کنند. در واقع، ورزش فعالیتی بیشتر مردانه و فعالیت‌های هنری فعالیتی بیشتر زنانه محسوب می‌شود. نکته جالب‌تر نیز این‌که در برابر رسانه‌های جدید یا مصرف کالاهای فرهنگی جدید تمایز جنسی یا اصلاً دیده نمی‌شود و یا این

تمایز چندان اهمیتی ندارد، در حالی که در برابر بسیاری از فعالیت‌های فراغتی سنتی این تمایز زیاد و یا خیلی زیاد است. این امر نیز فرضیه‌های تفاوت یا نابرابری جنسیتی ناشی از نظام‌های اقتدارگرایانه پدرسالار و نظام تولید و تقسیم کار اجتماعی سنتی مبتنی بر آن را تقویت می‌کند.

در بررسی نوع برنامه‌های مورد علاقه در رادیو و تلویزیون مشخص شد که زنان بیشتر از مردان روستایی به برنامه‌های خانواده، آشپزی و هنری، و در مقابل مردان بیشتر از زنان به برنامه‌های ورزشی و اخبار علاقه نشان می‌دهند. در واقع، توجه به برنامه‌های رادیو و تلویزیون از سوی زنان و مردان بیشتر مرتبط با تقسیم کار جنسیتی و در نظر گرفتن کار مردان در بیرون از خانه و در امور رقابتی، سیاسی و اقتصادی و کار زنان در درون خانه و در امور تفننی و خانه‌داری است.

در پاسخ به سؤال آخر تحقیق مبنی بر این که تمایز جنسیتی از چه زمانی در زندگی فرد آغاز می‌شود، باید گفت چون انسان از بدو تولد در محیط اجتماعی قرار می‌گیرد و شخصیت او تحت تأثیر فرایندهای تربیتی، جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، بنابراین انتزاع افراد از این فرایند و بررسی تأثیر وضعیت بیولوژیکی آنان در تمایز جنسیتی امکان‌پذیر نیست. با این وصف، به‌طور قطع نمی‌توان ثابت کرد که تمایز جنسیتی از بدو تولد و یا طفولیت وجود دارد، اما به‌هر حال نتایج تحقیق حاضر حاکی از آن است تمایز اندکی در همان سال‌های اولیه زندگی وجود دارد که به تدریج در بقیه عمر در اثر روند جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های اجتماعی شدت می‌یابد. بر این اساس، تمایز جنسیتی آشکاری میان دختران و پسران روستایی در گروه سنی ۷ تا ۱۱ ساله در مصرف کالاهای فرهنگی وجود ندارد و صرفاً تفاوت کمی میان دو جنس از نظر فعالیت‌های هنری و بازی و ورزش وجود دارد. اما از سن ۱۲ تا ۱۴ سالگی تفاوت میان دختران و پسران از نظر فعالیت‌های هنری و ورزشی به تمایزی برجسته و قابل ملاحظه تبدیل می‌شود. از سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی نیز تمایز جنسیتی علاوه بر فعالیت‌های هنری و ورزشی در سایر فعالیت‌های فراغتی مورد تأکید قرار می‌گیرد و به‌ویژه این تمایز بر محور نقش زنان در درون خانه و نقش مردان در بیرون خانه و آمادگی دختران برای ایفای نقش‌های همسری و پسران برای ایفای نقش نان‌آور و سرپرست خانواده شدت می‌یابد. اگرچه تقریباً تا مقطع سنی ۱۹ تا ۲۵ سالگی در برخی از فعالیت‌ها و کالاهای فرهنگی (مانند مطالعه کتاب، گوش دادن به رادیو، خواندن قرآن و دعا و میزان اوقات فراغت روزهای کاری) وضع زنان کمی بهتر و یا مساوی مردان است، اما از این مقطع سنی و با افزایش سن فعالیت‌ها و مصرف کالاهای فرهنگی زنان به‌طور چشمگیری از مردان فاصله می‌گیرد و کاهش می‌یابد. همچنین، از مقطع سنی ۲۶ تا

۴۰ سال، تمایز جنسی در میزان بهره‌مندی از رسانه‌های مکتوب نیز شدت می‌یابد. در این جا چند فرض مطرح می‌شود:

۱. کاهش شدید بهره‌مندی زنان از رسانه‌های مکتوب در مقاطع سنی ۲۶ سال به بالا که قطعاً تمایز جنسیتی را تشدید می‌کند، ناشی از میزان بی‌سوادی یا کم‌سوادی بیشتر زنان روستایی در سنین بالا نسبت به مردان است (قبلاً در این باره توضیح داده شد). بدیهی است همان‌طور که در گروه‌های سنی قبل از آن ملاحظه می‌شود با گسترش نهضت سوادآموزی و تحصیل در روستاها از شدت این تمایز در آینده کاسته خواهد شد.

۲. گروه‌های سنی ۲۶ سال به بالا در زمره نسل اول و دوم که میانسال و سالمند هستند قرار می‌گیرند و این دو نسل نسبت به نسل سوم که جوانان و نوجوانان هستند از نظر پایداری به نقش‌های سنتی تفاوت جدی دارند. تساوی دو جنس در فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی به‌ویژه در مقاطع سنی کودکان و نوجوانان حاکی از آن است که در روستاهای کشور به تبع شهرها تحولات جدی در جریان است و روند و گسترش آموزش‌های جدید و نیز توسعه رسانه‌های صوتی و تصویری و تا حدی مدرنیزه شدن شیوه‌های زندگی، به تدریج از میزان تمایز جنسیتی در فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی روستاییان خواهد کاست.

۳. علی‌رغم تمایز جنسیتی کمتر در مقاطع سنی نوجوانی و جوانی در روستاها، وجود تفاوت دو جنس از نظر فعالیت‌های هنری و ورزشی از همان دوران کودکی و تشدید آن در مقاطع سنی بالاتر نشان می‌دهد که احتمالاً تفاوت دو جنس از برخی جهات صرفاً تابع شرایط فرهنگی و اجتماعی و روندهای جامعه‌پذیری (آن‌طور که در نظریه‌های فمینیستی مطرح شده است) نیست. زنان و مردان به‌خاطر برخی از ویژگی‌های زیستی و روانی که تا حدودی مستقل از روندهای فرهنگی و اجتماعی است، علایق متفاوتی دارند. هرچند این تفاوت‌ها در دوران‌های متفاوت زندگی مورد تأکید بیشتر قرار می‌گیرند و شدت می‌یابند.

اما، به هر حال، آنچه مسلم است تقلیل نقش زنان به خانه‌داری و نگهداری بچه که در گذشته بیشتر مورد تأکید قرار می‌گرفته است، امروز به‌خاطر نیاز به حضور بیشتر زنان در جامعه و گسترش نظام‌های تعلیم و تربیت جدید و روند مدرن شدن امری فرهنگی و اجتماعی بوده و در حال تغییر جدی است و این تغییر در روستاها نیز آغاز شده و رو به گسترش است.

منابع

- فریدمن، جین (۱۳۸۱)، *فمینیسم*، ترجمه فیروز مهاجر، تهران: انتشارات آشیان.
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۹)، «زمینه‌های ظهور فمینیسم در غرب»، *همایش اسلام و فمینیسم*، مشهد.

- Bem, Sandra. Lipsitz. (1993), *the Lenses of Gender: Transforming the Debate on Sexual Inequality*, Yale University Press, New Haven.
- Bem, Sandra. Lipsitz. (1983), *Gender Scheme Theory and its Implications for Child Development: Raising Gender-schematic Children in a Gender-Schematic Society* Signs 10.
- Beverly, I.F. (1994), Book reviews - *The Lenses of Gender: Transforming the Debate on Sexual Inequality*, Dec 1994; 23, 6; Academic Research Library.
- Chodorow, Nancy. J. (1994), *Femininities, Masculinities, Sexualities; Freud and Beyond*, University Press of Kentucky.
- Chodorow Nancy J, (1989), *The Reproduction of Mothering: Psychoanalysis and the Sociology of Gender*, University of California Press.
- Friedan, B. (1963), *the Feminine Mystique*, Norton, New York.
- Gilligan, C. (1982), *In a Different Voice: Psychological Theory and Woman's Development*, Cambridge, M A Harvard University Press.
- Laqueur, T. (1990), *Making Sex: Body and Gender from The Greeks to Freud*, Cambridge, M A: Harvard University Press.
- Myers, A. Kristen & C.D. Anderson & B.J. Risman (1998), *Feminist Foundations: Toward Transforming Sociology*, Sage Publication.
- Oakley, A. (1972), *Sex, Gender and Society*. London: Temple Smith.
- Ortner, S.B. (1982), *Is Female to Male as Nature Is to Culture*, in M. Evans (ed.), *The Woman Question*, London: Fontana.
- Rosaldo, M.Z. and L. Lamphere (eds) (1974), *Woman, Culture and Society*, Stanford University Press.
- Tong, R. (1989), *Feminist Thought*, London and Sydney: Unwin Hyman.
- Warhol, R. Robyn and Diane P. Herndl (1991), *Feminism: an Anthology of Literary Theory and Criticism*, Rutgers University Press, USA.

سعید معیدفر عضو هیئت علمی دانشگاه تهران است. از ایشان کتاب‌های جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، بررسی میزان اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن و فرهنگ کار و مقالات متعددی در نشریات داخلی به‌چاپ رسیده است. علایق پژوهشی ایشان در حوزه‌های مابیل اجتماعی ایران است.